

موعظه سرکوه

¹ و گروهی بسیار دیده، بر فراز کوه آمد. و وقتی که او بنشست، شاگردانش نزد او حاضر شدند.² آنگاه دهان خود را گشوده، ایشان را تعلیم داد و گفت:³ خوشبحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.⁴ خوشبحال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.⁵ خوشبحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.⁶ خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد.⁷ خوشبحال رحم‌کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد.⁸ خوشبحال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید.⁹ خوشبحال صلح‌کنندگان، زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد.¹⁰ خوشبحال زحمتکشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.¹¹ خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند.¹² خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همین‌طور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند.

نمک و نور

¹³ شما نمک جهانید! لیکن اگر نمک فاسد گردد، به کدام چیز باز نمکین شود؟ دیگر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکنده، پایمال مردم شود.¹⁴ شما نور عالمید. شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد.¹⁵ و چراغ را نمی‌افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغدان گذارند؛ آنگاه به همه کسانی که در خانه باشند، روشنایی می‌بخشد.¹⁶ همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.

تورات و انبیا

¹⁷ گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صُحُف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه آمده‌ام تا تکمیلکنم.¹⁸ زیرا یقیناً به شما می‌گویم: تا آسمان و زمین زایل نشود، هر ذره یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.¹⁹ پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم

دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.²⁰ زیرا به شما می‌گویم: تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.

قتل و غضب

²¹ شنیده‌اید که به اوّلین گفته شده است: قتل مکن؛ و هر که قتل کند سزاوار حکم شود.²² لیکن من به شما می‌گویم: هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد، و هر که برادر خود را راقا گوید، مستوجب قصاص باشد، و هر که احمق گوید، مستحق آتش جهنّم بود.²³ پس هرگاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطر آید که برادرت بر تو حقی دارد،²⁴ هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته، اوّل با برادر خویش صلح نما و بعد آمده، هدیه خود را بگذارد.²⁵ با مدّعی خود مادامی که با وی در راه هستی صلح کن، مبدا مدّعی، تو را به قاضی سپارد و قاضی، تو را به داروغه تسلیم کند و در زندان افکنده شوی.²⁶ به تو می‌گویم: که تا قلس آخر را ادا نکنی، هرگز از آنجا بیرون نخواهی آمد.

زنا و طلاق

²⁷ شنیده‌اید که به اوّلین گفته شده است: زنا مکن. لیکن من به شما می‌گویم: هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.²⁸ پس اگر چشم راست تو را بلغزند، قلعهش کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آنکه تمام بدنت در جهنّم افکنده شود.³⁰ و اگر دست راست تو را بلغزند، قطعش کن و از خود دور انداز، زیرا تو را مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود، از آنکه کلّ جسدت در دوزخ افکنده شود.

³¹ و گفته شده است: هر که از زن خود مفارقت جوید، طلاق نامه‌ای بدو بدهد.³² لیکن من به شما می‌گویم: هر کس بغیر علت زنا، زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد، و هر که زن مُطلّقه را نکاح کند، زنا کرده باشد.

قسم

³³ باز شنیده‌اید که به اولین گفته شده است که: قسم دروغ مخور، بلکه قسمهای خود را به خداوند وفا کن.³⁴ لیکن من به شما می‌گویم: هرگز قسم مخورید، نه به آسمان زیرا که عرش خداست،³⁵ و نه به زمین زیرا که پای‌انداز او است، و نه به اورشلیم زیرا که شهر پادشاه عظیم است،³⁶ و نه به سر خود قسم یاد کن، زیرا که مویی را سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد.³⁷ بلکه سخن شما: بلی بلی و نی نی. باشد زیرا که زیاده بر این از شریر است.

انتقام و محبت

³⁸ شنیده‌اید که گفته شده است: چشمی به چشمی و دندانی به دندانی.³⁹ لیکن من به شما می‌گویم: با شریر مقاومت نکنید، بلکه هر که به رخساره‌ی راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان.⁴⁰ و اگر کسی خواهد با تو دعوا کند و قبای تو را بگیرد، عبای

خود را نیز بدو واگذار،⁴¹ و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او برو.⁴² هر کس از تو سؤال کند، بدو بخش و از کسی که قرض از تو خواهد، روی خود را مگردان.

⁴³ شنیده‌اید که گفته شده است: همسایه‌ی خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن.⁴⁴ اما من به شما می‌گویم که: دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید،⁴⁵ تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند.⁴⁶ زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت می‌نمایند، چه اجر دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟⁴⁷ و هرگاه برادران خود را فقط سلام گوید چه فضیلت دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟⁴⁸ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.